



در سال های اخیر تعداد زیادی از مدیران بزرگ ترین شرکت های تکنولوژی آمریکا به کنگره فراخوانده شده و مجبور به ارائه توضیحات شدند. اما در مورد دیگر کشورها، تعامل با شرکت های بزرگ فناوری بر اساس رویکرد هزینه-فایده دنبال می شود.



چرا شرکت های بزرگ فناوری زیر بار پرداخت جریمه به دولت های مختلف می روند؟

تخلفات پرسود



حسین مهدی تبار
خبرنگار

«ایرلند هم واتس اپ را ۲۶۶ میلیون دلار جریمه کرد.» خبر جریمه شرکت های بزرگ حوزه فناوری به مهم ترین خبر برای این شرکت ها از سال ۲۰۱۸ تبدیل شده است؛ آن هم از زمانی که رسوایی بزرگ فیسبوک با شروع اجرای قانون معروف به «جی دی پی آر» در اتحادیه اروپا همزمان شد. از این سال دولت های اروپایی برای حفظ حریم شخصی کاربران خود از تعرض پلتفرم های اجتماعی به اطلاعات شخصی جریمه های سنگینی را برای همکاری نکردن این شرکت در نظر گرفتند. شرکت هایی مثل گوگل، فیسبوک و توئیتر موظف شدند، برای کسب درآمد از راه تبلیغات در وبسایت ها و اپلیکیشن های خود همکاری لازم را با قوانین اتحادیه اروپا ترتیب دهند. مساله کمی بعد گسترده تر از اعمال جریمه شد و دادگاه عالی اروپا در اکتبر ۲۰۱۹ اعلام کرد همه دولت ها در سراسر جهان می توانند از شبکه های اجتماعی بخواهند پست های نفرت انگیز یا اطلاعات غلط را حذف کنند. طبق ادعای وزیر دادگستری اسرائیل نیز، شبکه های اجتماعی ۹۵ درصد درخواست های رژیم صهیونیستی برای حذف پست ها را می پذیرند.

اما چرا همین اتفاق در ایران رخ نمی دهد؟ چرا ایران نتوانسته حکمرانی معقولی در فضای مجازی اعمال کند؟ به سوال پرتکرار و همیشگی «چرا ایران نمی تواند» پاسخ های متفاوتی می توان داد اما اصلی ترین علل آن را می توان در دو چیز خلاصه کرد. تحریم و محدودیت. چند هفته پیش دسترسی به تعدادی از خدمات گوگل که پیش از این برای کاربران ایرانی غیرممکن نبود، با محدودیت مواجه شد. پیش از این نیز تعداد قابل توجهی از مهم ترین خدمات این شرکت در ایران قابل دسترسی نبود. این وضعیت در مورد بسیاری از شرکت های دیگر هم صدق می کند که بخشی از آن به تحریم های آمریکا برمی گردد. بنابراین، طبیعی است شرکتی که میلی به کار با کاربران ایرانی ندارد، تمایلی به تعامل با دولت ایران هم نداشته باشد. لذا از اساس امکان همکاری با بعضی شرکت ها وجود ندارد اما همه چیز به همین جا ختم نمی شود.

پای آمریکا در میان است

بخش قابل توجهی از بزرگ ترین شرکت های حوزه فناوری در خاک آمریکا ثبت حقوقی شده اند؛

جریمه می دهیم تا بمانم!

بنابراین هر چیزی که اخلاقی در گسترش تعداد کاربران این شرکت ها ایجاد کند به نوعی به ضرر آنها خواهد بود. در نتیجه این شرکت ها به سبب منافع

شرکت ها و

کمپانی های بزرگ

به سبب منافع خود

با دولت های دیگر

همکاری می کنند

تا از سوی دولت ها

محدودیتی برای

دسترسی کاربران

ایجاد نشود

خود با دولت های دیگر همکاری می کنند تا از سوی دولت ها محدودیتی برای دسترسی کاربران ایجاد نشود. حتی این شرکت ها با این که الزام قانونی برای آنها وجود ندارد و عمدتاً صرفاً باید به قوانین آمریکا پایبند باشند اما تلاش می کنند در هر موقعیت مکانی مطابق قوانین آن کشور فعالیت کنند تا مشمول محدودیت ها نشوند. همچنین این شرکت ها به پرداخت جریمه هم تن می دهند تا درآمد چند برابری خود از کشورهای مختلف را از دست ندهند.

چرخه هزینه - فایده این شرکت ها در قبال ایران دچار نقص های جدی است و همین هم ایران را با سایر کشورها متفاوت می کند. چنانچه پیشتر گفته شد، همکاری شرکت ها با دولت ها باعث شده پلتفرم های فناوری به قوانین کشورها احترام بگذارند. اما در مورد ایران این مساله صدق نمی کند. در نتیجه دولت ایران در موارد متعددی مجبور است وبسایت های متخلف را مسدود کند. چون نمی تواند مانند دیگر کشورها این شرکت ها را مجبور به تبعیت از قوانین کند. همین محدودیت های مکرر متعدد دست دولت ایران را برای تعامل با شرکت های هدف می بندد.

تجربه ترکیه چه می گوید؟

برای مثال توجه به روندی که در ترکیه رخ داد مساله را روشن تر خواهد کرد. دولت ترکیه در ابتدا محدودیتی برای فیسبوک ایجاد نکرد. در نتیجه فیسبوک از قبل کاربران ترکیه ای درآمدی قابل توجه دارد. پارلمان ترکیه این قانون را تصویب می کند که شبکه های اجتماعی با کاربران قابل توجه باید در این کشور دفتر نمایندگی احداث کرده و به درخواست ها برای حذف برخی پست ها بر اساس حکم دادگاه های ترکیه پاسخ مثبت دهند. از آنجا که فیسبوک پیشتر محدود نشده بود، امکان محدودیت کامل - مثلاً با کاهش پهنای باند - برای دولت ترکیه با کمترین هزینه اجتماعی فراهم و فیسبوک با خطر جدی و واقعی کاهش درآمد خود از ترکیه مواجه می شود. در نهایت فیسبوک قبول می کند در ترکیه دفتر احداث و با دولت آن همکاری کند.

واما ایران

آیا همین مدل در ایران قابل اجراست؟ فیسبوک، توئیتر و یوتیوب در ایران فیلتر هستند؛ زیرا این پلتفرم ها حاضر به همکاری با دولت ایران نشده اند. با وجود این به دلیل امکان عبور از فیلترینگ این شرکت ها درآمدی قابل توجه از قبل کاربران ایران دارند. از طرفی هم به دلیل گستردگی اعمال مسدودیت در ایران، امکان محدودیت کامل این شبکه ها. مشابه اتفاقی که می توانست در ترکیه رخ دهد - به دلیل هزینه اجتماعی فراوان وجود ندارد. دولت ایران هم اهرمی برای اعمال فشار به شبکه های اجتماعی نخواهد داشت و این شرکت ها هم اجباری به همکاری با دولت ایران احساس نمی کنند. بنابراین شاید شروع کاهش محدودیت های غیرضروری، قدم اول برای اعمال فشار به پلتفرم های بزرگ به حساب بیاید.



شرکت های بزرگ

تکنولوژی بخش اعظم

درآمد خود را مدیون

تبلیغات اینترنتی در

صفحات خود هستند.

برای مثال گوگل

وبسایت های تبلیغاتی

را در صدر جستجوی

کاربران قرار می دهد